

«گونه‌شناسی آیات نظیر در تفسیر المیزان با محوریت موضوع شفاعت در سوره البقره»

^۱آذربخت شمس‌اشراق

^۲سیدمهدی سیدحاموی

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۶/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۲/۱۴)

چکیده

از میان آیات قرآن کریم، که سراسر روشنایی و نورند، برخی از آنها به صورت چشمگیری شاخص بوده و موجب روشنگری آیات دیگر شده و می‌توانند «نظیر آیات» دیگر شوند. شناخت این گونه از آیات تنها از طریق بهره بردن از تفسیر قرآن به قرآن است. در این میان تفسیر المیزان که یکی از کارآمدترین تفاسیر عصر حاضر است، توانسته با استفاده از روش تفسیری «قرآن به قرآن» و استخراج مقاصد الهی با استناد به آیات نظیر، تا حدود زیادی به روشنگری مبهمات برخی از آیات بپردازد. این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، پس از طرح نظایر آیات در تفسیر المیزان و تقسیم بندی انواع نظایر اعم از لفظی و معنوی همراه با نمونه‌ها، به طور موردی به بررسی گونه‌هایی از آیات نظیر در موضوع «شفاعت» با محوریت سوره مبارکه بقره در تفسیر المیزان، پرداخته و این آیات را به صورت موضوعی دسته‌بندی نموده و گونه‌های نظایر لفظی و معنوی آنها را مشخص و دسته‌بندی کرده و ذیل آیات مطرح شده، آورده است. عدم توجه برخی از مفسران به نظایر آیات در موضوع شفاعت سبب گردیده که اصل شفاعت را نفی کنند یا فقط برای خداوند بدانند ولاغیر. از این رو در خاتمه نظرات برخی از مفسران و علماء را از دیگر تفاسیر، پیرامون موضوع شفاعت مطرح کرده و از این رهگذر به اعتبار سنجی نظایر آیات با موضوع شفاعت، و با توجه به نظرات علامه و نظرات دیگر مفسران پرداخته‌ایم.

کلید واژه‌ها: تفسیر المیزان، آیات نظیر، شفاعت، نظایر لفظی، نظایر معنوی، اعتبارسنجی.

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

info@motahari.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه شهید مطهری (نویسنده مسئول):

۱- مقدمه

قرآن کریم متقن‌ترین و معتبرترین سند جاودانه اسلام است. روش تفسیر قرآن به قرآن یکی از روش‌های کارآمد و برجسته قرآن کریم است که از صدر اسلام و زمان حیات پیامبر اکرم(ص) مورد توجه مفسران و علمای گرانقدر قرار گرفته است، چنانکه برخی مفسران و پژوهشگران روش تفسیری، این روش را بهترین و کارآمدترین روش تفسیری قرآن کریم معروفی کرده‌اند. در این روش آیات قرآن کریم با استعانت از آیات دیگر توضیح داده شده و مقصود آن‌ها مشخص می‌گردد. (زنجانی، ۳۶۱) آیت الله جوادی آملی در این رابطه می‌نویسد: «بهترین راه برای فهم یک متن مقدس دینی، تدبیر تام در همان متن است». (جوادی آملی، ۶۱). «قرآن به قرآن بودن به معنای مقابله آیات با یکدیگر و شاهد یکدیگر قرار گرفتن است. به عبارتی آیات قرآن را به کمک یا به وسیله آیات دیگر توضیح دادن و مقصود آنها را مشخص ساختن است» (رضایی اصفهانی، ۱۴۴). در این میان تفسیرالمیزان با بهره‌گیری از "روش تفسیری قرآن به قرآن"، توانسته است یکی از بهترین تفاسیر را به جهان اسلام عرضه نماید. توجه به آیات همگون و نظیر در تفسیر المیزان یکی از ویژگی‌های برجسته آن می‌باشد. علامه حسینی تهرانی می‌نویسد: «المیزان یکی از بهترین تفاسیری است که تا کنون به رشتہ تحریر در آمده است و در جامعیت منحصر بفرد است». (طهرانی، ۶۸) علامه طباطبائی در مقدمه تفسیر المیزان می‌نویسد: "ان نفس القرآن بالقرآن و نستوضح معنی الآية من نظيرتها بالتدبیر المنذوب اليه فى نفس القرآن" «قرآن را به کمک قرآن تفسیر می‌کنیم و معنای آیه را با استفاده از آیه نظیرش، به وسیله تدبیر سفارش شده در خود قرآن طلب وضوح می‌کنیم.» (طباطبائی، ۱۱/۱). بنابراین شناخت ملاک‌ها و معیارهای انتخاب آیات نظیر و اعتبار سنجی آن‌ها در تفسیر المیزان، موجب فهم بهتر آیات می‌گردد از مهمترین اهداف این تحقیق، تلاش برای رسیدن به این مطلب است که در سایه پیروی از روش تفسیری قرآن به قرآن، و با بهره‌گیری از آیات

نظیر، می‌توان تا حدود زیادی به معنا و مفهوم حقيقی آیات پی برد. این پژوهش سعی دارد با واکاوی و بررسی آیات نظیر و همچنین شناخت انواع نظایر در موضوع «شفاعت» و معیار به کارگیری آنها، بتواند در فهم بهتر و کامل‌تر مفاهیم مربوط به شفاعت و شناخت موارد آن، راه گشا باشد. و به دنبال روشنگری این مطلب است. به طور مثال در موضوع شفاعت، نظایر این آیات و مصادیق آن را شناخت و ارتباط گونه‌های لفظی و معنایی آنها را شناسایی نموده و از این رهگذر پاسخ برخی از شباهات پیرامون موضوع شفاعت را در یافت. همچنین آیاتی دیگر را که قید اذن و رضایت الهی را شرط در شفاعت غیر خدا دانسته‌اند، را مشخص و شفاف سازی می‌کند. در این نوشتارنیز سعی بر آن است که با توجه به این آیات کلیدی و شاخص که سبب روشنگری و تبیین برخی از آیات دیگر می‌شوند، پرده از برخی میهمات برداریم. بنابراین ابتدا توضیحاتی در ارتباط با واژه نظیر و انواع نظایر اعم از لفظی و معنایی ذکر نموده، سپس آیاتی به عنوان نمونه برای هر کدام آورده و در نهایت آیات مربوط به موضوع شفاعت را با محوریت سوره بقره در تفسیر المیزان، ذیل این تقسیم‌بندی آورده و پیرامون گونه‌ها و موضوعات آن بحث می‌کنیم. حال پرسش اصلی این پژوهش این است که با بررسی و شناخت انواع نظایر لفظی و معنایی آیات مربوط به موضوع شفاعت، تا چه میزان می‌توان به شباهات مطرح شده پیرامون این موضوع پاسخ داد.^۱

۱. توجه به آیات نظیر به عنوان اولین منبعی که باید مورد توجه مفسر قرار گیرد از دیرباز مطرح بوده است. (ذهبی، ۲۷۳/۱) چنانکه از صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم(ص) توجه به روش تفسیری ارزشمند قرآن به قرآن وجود داشته است و در قرون بعدی نیز علمای گرانقدری چون شیخ طوسی(۴۶۰ق)، طبرسی(۵۴۸ق) و اخیراً فیلسوف و دانشمند پرجسته، علامه طباطبائی(ره)، آیت الله جوادی آملی و آیت الله محمد صادقی تهرانی از این روش بهره زیادی برده‌اند. همچنین در ارتباط با روش تفسیری قرآن به قرآن مقالات و نوشه‌های بسیاری وجود دارد. اما در ارتباط با یافتن ملاک‌های آیات نظیر و معیار بکار گیری این آیات در روش تفسیری قرآن به قرآن، کتاب یا مقالات زیادی وجود ندارد و در این رابطه دو کتاب با عنوانی «گفتارهایی در باب قرآن، فقه و فلسفه» و «شروط و آداب تفسیر و مفسر» که توسط دکتر مهدی ایزدی نوشته شده است، به چاپ رسیده است. همچنین مقاله‌ای از عباس مصلایی پور در چگونگی یافتن آیات نظیر چاپ شده است.

۲- نظیر در لغت و اصطلاح

واژه «نظیر» و جمع آن «نظایر»، به معنای مثل و مانند است. به گفته خلیل بن احمد فراهیدی از آن جهت به مثل و مانند نظیر گفته می‌شود که وقتی به آن دو نظر انداده می‌شود گویی این دو در نظر یکسان هستند. (فراهیدی، ۱۵۶/۸). واژه نظیر آیات در اصطلاح مفسران چنان که در این نوشتار به آن اشاره خواهیم نمود به آیاتی گفته می‌شود که از جهت مفهوم و معنا به یکدیگر نزدیک باشند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان نظایر را به لفظی و معنوی تقسیم کرد که هر کدام دارای زیر فصل‌هایی نیز می‌باشند.

۱-۲. نظایر لفظی

گاهی دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگرند در حالی که الفاظ یا عبارت‌های مشترکی هم میان آنها مشاهده می‌شود، مانند آیات ۹۴ و ۹۵ سوره بقره که این دو آیه را نظیر آیات ۶ و ۷ سوره جمعه می‌دانند:

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنَّدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ»

بگو: «اگر در نزد خدا، سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد، نه دیگر مردم، پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید». «ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده‌اند، هرگز آن را آرزو نخواهند کرد. و خدا به [حال] ستمگران داناست.»

«قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أُولَاءِ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنُوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» وَ لَا يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ»

بگو: «ای کسانی که یهودی شده‌اید، اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس اگر راست می‌گویید درخواست مرگ کنید». «و هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده‌اند، آرزو نخواهند کرد، و خدا به [حال] ستمگران داناست.»

آیات فوق در الفاظ و عبارت‌هایی مشترک و از نظر مفهوم و مصدق نیز نظیر یکدیگرند. در این نوشتار ابتدا به تقسیم‌بندی انواع نظایر لفظی مانند نمونه‌ای که ذکر شد که اشتراک دو آیه در عبارتهایی مشترک بود، می‌پردازیم:

- اشتراک دو آیه در چهار لفظ مشترک

- اشتراک دو آیه در سه لفظ مشترک

- اشتراک دو آیه در دو لفظ مشترک

- اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک (یکسان بودن مصدق)

- اشتراک دو آیه در یک لفظ مشترک (یکسان نبودن مصدق)

- اشتراک دو آیه در یک ماده مشترک

- اشتراک دو آیه در یک عبارت

۲-۲. نظایر معنوی

گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود. مفسر در این موارد باید در ارتباط با آیات قرآن کریم، آن چنان اشراف و حضور ذهن داشته باشد تا بتواند به میزان وسع و تکلیف، تمامی آیاتی را که در این زمینه نظر دارند، نفیاً و اثباتاً جمع آوری کرده و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد (مصلایی‌بور بزدی، ۳۱). نظایر معنوی نیز به سه قسم تقسیم می‌شود:

۲-۲-۱. یکسان بودن مفهوم

منظور از یکسان بودن مفهوم این است که گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود. در این موارد مفسر باید همانند موارد قبلی درباره آیات قرآن کریم حضور ذهن داشته و به مقدار وسع و تکلف خود همه آیاتی که در این زمینه نظر دارند به نفی یا به اثبات گردآوری کند و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد. به نمونه‌ای از این گونه نظایر معنوی که مصادیق یکسانی ندارند و تنها از جهت مفهوم همانند یکدیگرند اشاره می‌شود:

به گفته سید علی اکبر قرشی (۴۲۶/۴) آیه زیر حاکی از نفرین حضرت موسی (ع) بعد از مایوس شدن نسبت به فرعون و قوم اوست.

«رَبَّنَا أَطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»
(يونس، ۸۸)

بار خدایا، اموال آنها را نابود گردان و دلهایشان را سخت بریند که ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردنگ را مشاهده کنند.

نظیر نفرین نوح نسبت به قوم خود است:

«وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَىٰ الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا» (نوح، ۲۶)
و نوح عرض کرد: پروردگارا از این کافران دیاری بر روی زمین باقی مگذار.
این دو آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگرند اما مصدق هر کدام جداگانه است و این در حالی است که الفاظ مشترکی هم میان آنها مشاهده نمی شود.

۲-۲-۲. یکسان بودن مصدق

یکسان بودن مصدق نیز یکی دیگر از انواع نظایر معنوی است. گاه دو یا چند آیه تنها از جهت مصدق، نظیر یکدیگرند در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها دیده نمی شود. مورد زیر (آیات نساء، ۱۰۴ و آل عمران، ۱۴۰) نمونه‌ای از نظایر معنوی آیات همراه با یکسان بودن مصدق است:

«وَ لَا تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَائِلُّمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَيْمًا حَكِيمًا» و در تعقیب گروه [دشمنان] سنتی نورزید. اگر شما درد می‌کشید، آنان [نیز] همان‌گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند، و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آن‌ها امید ندارند، و خدا همواره دانای سنجیده کار است.»

«إِنْ يَمْسِسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»

«اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ای]

شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد.»

۲-۲-۳. ترکیب

گاه دو یا چند آیه از جهت نوع ترکیب به کار رفته نظیر یکدیگر هستند حال ممکن است از جهت مصدق هم نظیر یکدیگر باشند یا نباشند:

(ابن عاشورا ۴۴۹/۳۰) سه آیه نخست سوره قارعه:

«القارِعةُ مَا القارِعةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا القارِعةُ»

«قارعه چیست قارعه؟ و تو چه، دانی که قارعه چیست؟»

را از جهت ترکیب نظیر یه آیه نخست سوره حاقه می‌داند.

«الحَاقَةُ مَا الْحَاقَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَةُ»

«آن روز بر حق چیست آن روز بر حق؟ و چه دانی که آن روز بر حق، چیست؟»

در ادامه، ابتدا به صورت موردي، موضوع شفاعت را با محوریت سوره بقره در تفسیر المیزان مشخص نموده، سپس آن‌ها را دسته‌بندی و مباحث مربوط به آن را از تفسیر المیزان مورد بحث قرار داده و گونه‌های نظایر لفظی و معنوی آن‌ها را مشخص و مورد بررسی قرار می‌دهیم و ملاک کاربرد آیات نظیر آن‌ها را که در تفسیر شریف المیزان توسط علامه طباطبائی(ره) ذکر شده، بررسی نموده و در نهایت به اعتبار سنجی آنها می‌پردازیم.

۳- مفهوم لغوی و اصطلاحی شفاعت

اصل ماده شفّع، به معنی زوج و جفت است، در مقابل وتر (طريحي، ۳۵۳/۴؛ احمد بن فارس، ۲۰۱/۳؛ راغب اصفهاني، ۲۶۳؛ فیروزآبادی، ۴۵/۳) یا به عبارتی پیوست و ضمیمه

شدن چیزی به مانند او می‌باشد (ابن‌منظور، ۷/۱۵۱) پس شافع کسی است که برای انجام هدفی، ضمیمه غیر خود می‌شود و او را که تاق است جفت می‌سازد (ابن اثیر، ۷۱۵/۲). راغب، شفع را، پیوستن و ضمیمه شدن چیزی در کنار مانندش می‌داند و در توضیح مفهوم شفاعت می‌گوید: شفاعت آن است که یک چیزی را براساس درخواست چیز دوم برای کمکش به آن بیفزاییم و بیشترین کاربرد شفاعت، همان پیوستن و انضمام به کسی که از نظر حرمت و مقام، بالاتر از کسی است که مادون اوست که مورد شفاعت قرار می‌گیرد (راغب اصفهانی، ۲۶۳). از مجموع آنچه که واژه شناسان عرب گفته‌اند، چنین استفاده می‌شود که، شفاعت به معنای انضمام و پیوستن انسانی یا عملی به شخصی برای رسیدن به مقصود و خواسته او می‌باشد. (علم‌الهدی، ۱/۳۹).

اما در اصطلاح نیز برای شفاعت معانی گوناگونی آورده شده است، همچون ظهور هر تأثیر خیری در انسان توسط شخص دیگر (صبح‌یزدی، ۱۶۹/۳) یا به عبارتی دیگر کسی برای دیگری طلب بخشش نماید، و رفع نیاز او را بخواهد (فخررازی، ۵۵/۳). همچنین با توجه به کاربرد آن در شماری از آیات قرآن، در اصطلاح دینی آن، "شفاعت" همان درخواست عفو برای گنهکاران، توسط شفیعانی است که خداوند به آنها اجازه دهد و مقرب درگاه او باشند. این مفهوم، از جمله مفاهیمی است که در ادیان توحیدی و به خصوص دین اسلام بدان پرداخته شده است، که در این میان نگرش‌های مختلفی نسبت به این مفهوم دیده می‌شود و گروهی آن را پذیرفته و عده‌ای دیگر آن را باطل و مردود می‌شمارند. با توجه به این مسأله در این مقال با تبیین نظر علامه طباطبائی، از بزرگترین مفسران شیعه، به روشنگری زوایای این مفهوم می‌پردازیم. مسأله شفاعت، یکی از مسائل مهم دینی و اعتقادی است، تا آنجا که در برخی از سخنان امامان معصوم، اعتقاد به شفاعت، از پایه‌های ایمان و منکران، از ایمان محروم و بی‌بهره معرفی شده است (مجلسی، ۳۷/۸). براساس دیدگاه علامه طباطبائی شفاعت در اصطلاح به این معناست که، شخصی که متولّ به شفیع می‌شود، نیروی خودش به تهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره

می‌زند و در نتیجه آن را دو چندان نموده، به آنچه می‌خواهد نائل می‌شود، به طوری که اگر این کار را نمی‌کرد و تنها نیروی خود را به کار می‌زد، به مقصود خود نمی‌رسید، چون نیروی خودش به تنهایی ناقص و ضعیف و کوتاه بود (طباطبائی ۱/۱۵۷).

۱-۳. آیاتی که شفاعت را نفی می‌کنند

«وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» (البقره، ۴۸)

و بترسید از روزی که هیچ‌کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلى گرفته می‌شود؛ و نه یاری خواهند شد.

«وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْعَهُ شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» (البقره، ۱۲۳)

و بترسید از روزی که هیچ‌کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند، و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود، و نه او را میانجیگری سودمند افتاد، و نه یاری شوند.

«إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ أَتَبْعَوْا مِنَ الَّذِينَ أَتَبْعَوْا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَنَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ» (البقره، ۱۶۶)

آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند؛ و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان

پیوندها بریده گردد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبْعَثُ فِيهِ وَلَا خُلْلٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (البقره، ۲۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی. و کافران خود ستمکارانند.

«وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ

يُطَاعُ» (غافر، ۱۸)

و آن‌ها را از آن روز قریب [الوقوع] بترسان، آنگاه که جان‌ها به گلوگاه می‌رسد در

حالی که اندوه خود را فرو می خورند. برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعت‌گری که مورد اطاعت باشد.

«يَوْمَ تُولُونَ مُدِبِّرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا أَلْهَمَ مِنْ هَادِ» (غافر، ۳۳)
روزی که پشت‌کنان [به عنف] بازمی‌گردید، برای شما در برابر خدا هیچ حمایت‌گری نیست؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست.

«فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقِ حَمِيمٍ» (الشعراء، ۱۰۰ و ۱۰۱)
در نتیجه شفاعت‌گرانی نداریم، و نه دوستی نزدیک.

«مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ» (الصفات، ۲۵ و ۲۶)
شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی‌کنید؟! [نه!] بلکه امروز آنان از در تسليم
درآمدگانند!

«وَلَقَدْ جَئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقَنَاكُمْ أُولَى مَرَةً وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَلَنَاكُمْ وَرَأَءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى
مَعَكُمْ شُفَعَاءَ كُمُ الدِّينِ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيْكُمْ شُرُكَاءُ لَقَدْ تَقْطَعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ
تَزَعَّمُونَ» (الانعام، ۹۴)

و همان‌گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید، و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده‌اید، و شفیعانی را که در [کار] خودتان، شریکان [خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم. به یقین، پیوند میان شما بریده شده، و آنچه را که می‌پنداشتید از دست شما رفته است.

«هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
يَفْتَرُونَ» (یونس، ۳۰)

آنچاست که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است می‌آزماید، و به سوی خدا مولای حقیقی خود بازگردانیده می‌شوند، و آنچه به دروغ بر می‌ساخته‌اند از دستشان به در می‌رود. وجود برخی آیات، که خداوند در آن شفاعت را به طور کلی نفی می‌کند، سبب شده است تا گروهی با تمسک به این آیات و دستاویز قرار دادن آنها وجود اصل شفاعت را در

قیامت رد نموده و آن را مردود بدانند یا دچار شیوه و سردرگمی شوند که برای رد این شیوه باید گفت که این آیات، از نظر بسیاری از مفسران عمدتاً ناظر به نفعی شفاعت ادعا شده از سوی بتپرستان و مشرکان و بھودیان است (زمخشری، ۱۳۶/۱؛ طبرسی، ۲۲۳/۱؛ الوسی، ۲۵۳/۱؛ طوسی، ۲۱۳/۱) و خداوند رد شفاعت را در بعضی از آیات، در جواب کسانی داده است که تلقی شان از شفاعت، به کارگیری زر و زور و واسطه‌گری برای رهایی از عذاب و عقاب الهی است. بر این اساس خداوند به طور مطلق شفاعت را نفعی نمی‌کند، بلکه می‌فرماید که شفاعت، برای گروهی از آدمیان نفع و فایده‌ای ندارد و بهرمند نشدن این گروه، به خاطر آن است که ایشان صلاحیت اصلی شفاعت که رضای الهی باشد را احراز ننموده‌اند و شرایط لازم برای این مرحمت را ندارند، همچنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید که، مشرکان تصور می‌کنند که بتهایشان در قیامت شفیع آنها خواهند شد، در حالی که این گونه نیست: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَصْرُفُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هُؤُلَاءِ شُفَاعَوْنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشَرِّكُونَ» (يونس، ۱۸)

همچنین برای پاسخ به این شبهه، ذکر این موضوع نیز حائز اهمیت است که، قبل از هر چیز دقت و تأمل در یک نکته تفسیری برای کسانی که بخواهند برای درک مطلبی، از آیات قرآن استفاده کنند، ضروری است و آن عبارت است از این که برای تفسیر آیه‌ای از آیات قرآن، باید آن را با آیات دیگر قرآن (نظیر آن)، در نظر گرفت و مقایسه کرد و نتیجه و تفسیری که از آن استنباط می‌شود، می‌باشد با توجه به تمام آیات مربوطه مورد بحث باشد؛ چرا که آیات دیگر قرآن می‌توانند مفسر و مبین و قرینه مفاد همان آیه مورد بحث باشند؛ چنان‌که امام علی (ع) که خود بالاترین مفسر قرآن است می‌فرماید: «ان کتاب الله يصدق بعضه بعضاً» (قرآن برخی، برخی دیگر را تصدیق می‌کند). (طبرسی ۲۵۹/۱) همچنین آن حضرت می‌فرماید: «در کتاب خدا بعضی به کمک بعضی سخن می‌گویند و برخی از آن، برخی گواهی می‌دهد.» (عبده، ۲۳/۲).

بنابراین برای کسی که می‌خواهد در مورد موضوعی از قرآن، تحقیق و تفحص کند تا

مطلوبی را بفهمد و معنا و تفسیر کند، بسیار دور از اسلوب و روش برداشت صحیح از قرآن است که از میان مثلاً این همه آیات مربوط به شفاعت به یک آیه تمکن کند و برای اثبات مدعای خویش توسط آن استدلال کند و از آیات دیگر در این زمینه چشم پوشی کرده و تغافل بورزد، زیرا ابهام و اجمال برخی از آیات به وسیله آیات دیگر، برطرف می‌گردد. علامه طباطبائی، در مورد این سری از آیات می‌فرماید: «بعضی از این آیات دلالت دارد که شفاعت، مخصوص خداست و بعضی دیگر مقام شفاعت را به غیر خدا یعنی کسانی که به اذن و رضایت او شفاعت کنند تعیین داده است و در هر حال اصل موضوع را بدون اشکال ثابت می‌کند، منتها در بعضی، آن را به عنوان اصالت مخصوص خداوند معرفی کرده، و در پاره‌ای در مورد غیر خدا با اجازه و رضایت او نیز اثبات نموده است و از طرفی، موضوع شفاعت در عده‌ای از آیات نفی شده، بنابراین نسبت این دو دسته از آیات (آیات نفی کننده و اثبات کننده) به یک دیگر، مانند آیات نفی کننده علم غیب است از غیر خدا، نسبت به آیاتی که علم غیبت را به عنوان اصلی برای خدا و به رضایت او برای غیر خدا ثابت می‌کند. لذا آیاتی که شفاعت را انکار می‌کنند، اگر بگوییم ناظر به شفاعت در روز قیامت است، شفاعت به طور استقلال را نفی می‌کند و آیاتی که آن را اثبات می‌کند، نخست اصالت در آن را برای خدا اثبات می‌کند و برای غیر خدا، به شرط اذن و تملیک خدا اثبات می‌نماید، پس شفاعت برای غیر خدا به اذن خدا ثابت است». (طباطبائی، ۱۵۷/۱).

... (پس) «منظور از آیات نفی کننده شفاعت این است که کسی به عنوان استقلال چنین حقی را ندارد و منظور از آیات اثبات کننده شفاعت این است که اصلاً و ذاتاً شفاعت برای خداست و برای غیر خدا با اذن و تملیک اوست یعنی این مقام ممکن است برای غیر باشد اما با اذن و اجازه او». (همان ۱۵۸/۱ و ۱۵۹)

در این قسمت به پیوست، جدول بررسی آیات فوق از جهت لفظی و معنایی و انواع آن می‌پردازم:

بررسی نظایر آیات در موضوع شفاعت از تفسیر المیزان

نظایر لفظی	اشتراك دو آيه در همه الفاظ به جز يك لفظ «يؤخذ» و «تنفعها»	البقره ۴۸	البقره ۱۲۳
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	البقره ۲۵۴	غافر ۱۸
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	البقره ۱۶۶	البقره و غافر ۱۸
نظایر معنوی	يکسان بودن مصداق	البقره ۱۸	غافر و ۳۳ غافر و ۱۰۱/۱۰۰ الشعرا
نظایر لفظی	اشتراك در يك ماده مشترک «شفع»	البقره ۱۸	الشعراء ۱۰۱ و ۱۰۰
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	الانعام ۹۴	الشعراء ۱۰۱ و ۱۰۰
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	الانعام ۹۴	الانعام ۱۶۶ بالبقره
نظایر لفظی	اشتراك در يك ماده مشترک «قطع»	الانعام ۹۴	الانعام ۱۶۶ البقره
نظایر لفظی	اشتراك دو آيه در دو لفظ «وَضْلٌ» و «مَا»	يونس ۳۰	الانعام ۹۴
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	يونس ۳۰	الانعام و غافر ۹۴
نظایر لفظی	اشتراك در يك ماده مشترک «شفع»	الانعام ۹۴	الشعراء ۱۰۰
نظایر لفظی	اشتراك سه آيه در لفظ «شفاعه»	البقره ۴۸	البقره ۱۲۳/۲۵۴

۱-۱-۳. نظایر لفظی

۲-۱-۳. اشتراك دو آيه در همه الفاظ به جز يك لفظ، «يؤخذ» و «تنفعها»

آيه ۴۸ سوره «البقره» «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجِزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعةً وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» با آيه ۱۲۳ «البقره» «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجِزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعَهَا شَفَاعةً وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» در تمامی الفاظ به يك لفظ «يؤخذ» که در آيه دیگر «تنفعها» آمده است، مشترک هستند.

۱-۳. اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»

آیه ۱۸ سوره «غافر» «وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْاَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِلِّيْنَ مَا لِلظَّالِّيْنَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» با آیه ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره «الشعراء» «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِيْنَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» در ماده «شفع» مشترک لفظی هستند.

همچنین آیه ۹۴ سوره «الانعام» «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أُولَى مَرَّةً وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَلَنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيْكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقْطَعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزَعَّمُونَ» و آیه ۱۰۰ سوره «الشعراء»، «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِيْنَ» نیز در ماده «شفع» مشترک لفظی هستند.

۱-۳-۱. اشتراک در یک ماده مشترک «قطع»

آیه ۹۴ سوره «الانعام» «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أُولَى مَرَّةً وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَلَنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيْكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقْطَعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزَعَّمُونَ» و آیه ۱۶۶ سوره «البقره» «إِذْ تَبَرَّا الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقْطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ» در ماده «قطع» مشترک لفظی هستند.

۱-۳-۲. اشتراک سه آیه در لفظ «شفاعه»

آیه ۴۸ سوره «البقره» «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجِزِّي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُعْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ» با آیات ۲۵۴ و ۱۲۳ سوره «البقره» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجِزِّي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُعْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ»، هر سه آیه در واژه «شفاعه» اشتراک لفظی دارند.

۲-۳. نظایر معنوی

۱-۲-۳. یکسان بودن مفهوم

آیه ۲۵۴ سوره «البقره» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا

بَيْعٌ فِيهِ وَلَا حُلْمٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَ آیه ۱۸ سوره «غافر» وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذْ
الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ، نظیر معنوی از نوع یکسان بودن
مفهوم است، زیرا هر دو اشاره به نفی شفاعت و شفاعت‌گری و دوستی در قیامت دارد.

همچنین آیه ۱۶۶ سوره «البقره» إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ أَتَبْعَوْا مِنَ الَّذِينَ أَتَبْعَوْا وَرَأَوْا العَذَابَ
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ وَ آیات ۲۵۴ سوره «البقره» يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمْ مِنْ رَزْقَنَا كُمْ
مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا حُلْمٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ وَ ۱۸ سوره
«غافر» وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا
شَفِيعٌ يُطَاعُ، نیز نظیر معنوی از نوع یکسان بودن مفهوم می‌باشد که هر سه به گستته شدن
پیوندها و پایدار نبودن دوستی‌ها اشاره نموده است.

آیات ۳۰ سوره «یونس» هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ
وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ و ۹۴ سوره «الانعام» وَلَقَدْ جَنَّمْنَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوْلَ
مَرَّةً وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَلَنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورَكُمْ وَمَا نَرَى مَعْكُمْ شُفَعَاءَ كُمْ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيْكُمْ
شُرُّكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزَعَّمُونَ و ۳۳ سوره غافر «يَوْمَ تُولَّونَ
مُدَبِّرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ، هم دارای نظیر معنوی
از نوع یکسان بودن مفهوم است و بیانگر این مطلب است که در آن روز انسان تمامی
وابستگی‌ها و اسباب و وسیله‌ها را پشت سر گذاشته و به سوی مولای حقیقی خود باز
می‌گردد و هیچ حمایت‌گری جز او ندارد.

۲-۲-۳. یکسان بودن مصداق

آیه ۱۸ سوره «غافر» وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ
مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٌ يُطَاعُ و آیات ۱۰۰ و ۱۰۱ سوره «الشعراء» فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا
صَدِيقٌ حَمِيمٌ هر سه این آیات به کفاری اشاره دارد که در دوزخ قرار دارند و هیچ دوستی
و پیوندی برایشان وجود ندارد.

۳-۳. آیاتی که شفاعت را از آن خدا می‌داند:

«وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (الانعام، ۵۱)

و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارد که به سوی پروردگارشان محسور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیعی نیست، باشد که پروا کند.

«وَإِنْ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ» (الافظران، ۱۰)

و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند

«قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِيَّهُ تُرْجَعُونَ» (الزمیر، ۴۴)

بگو: «شفاعت، یکسره از آن خداست. فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست؛ سپس

به سوی او باز گردانیده می‌شوید».

«وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْعَهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَاعَوْنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَبْيُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشَرِّكُونَ» (یونس، ۱۸)

و به جای خدا، چیزهایی را می‌برستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد. و می‌گویند: «اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند». بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند، آگاه می‌گردانید؟» او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند.

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (السجده، ۴)

خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش هنگام آفرید، آنگاه بر عرش [قدرت] استیلا یافت، برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست؛ آیا باز هم پند نمی‌گیرید؟

آیاتی هم که فقط شفیع و شفاعت کننده را تنها خدا معرفی می‌کند: «مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ» (السجده، ۴) یا در جایی دیگر که می‌فرماید: «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ

مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (ال Zimmerman، ۴۴)، هدف اصلی این آیات، بیان‌کننده مقام اصلی و حقیقت شفاعت است که این گونه طرح می‌شود و اختیاردار اصلی و شفاعت کننده واقعی را خدا می‌داند و نیز بیان می‌دارد بقیه هم اگر می‌توانند شفاعتی بکنند، همه به اذن خدا صورت می‌گیرد.

بر این اساس تفکر مخالفان شفاعت از جمله وهابیون، مبنی بر شرک دانستن اعتقاد به شفاعت نیز رفع می‌شود، چرا که دانسته شد که شفاعت سبب مستقل نیست و شفیع باید مأذون از طرف خداوند باشد. قرآن کریم نیز به روشنی ما را به تحصیل وسیله به پیشگاه خداوند دعوت می‌نماید و آن را عامل رستگاری مؤمنان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «یا آئُهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (المائدہ، ۳۵/۵). در این آیه طبق نظر علامه، وسیله، مطلق هر چیزی است که بنده را با پروردگارش مرتبط می‌سازد و همانطور که در بحث شفاعت گفته شد، متولّ شدن به ائمه و تأثیر شفاعت آنها که به اذن الهی انجام می‌شود، یکی از موارد راه‌های ارتباطی بندگان گنهکار با خدای متعال می‌باشد.

بررسی نظایر آیات در موضوع شفاعت از تفسیر المیزان

نظایر لفظی	اشترآک دو آیه در پنج لفظ «من» «دونه» «ولی» «ولا» «شفیع»	۵۱ الانعام	السجده
نظایر لفظی	اشترآک در یک ماده مشترک «شفع»	۵۱ الانعام	۴۴ الزمر
نظایر معنوی	یکسان بودن مصدق	۵۱ الانعام	۴۴ الزمر
نظایر معنوی	یکسان بودن مفهوم	۵۱ الانعام	۴ السجده
نظایر لفظی	اشترآک در یک ماده مشترک «دون»	۱۸ یونس	۵۱ الانعام و السجده

۳-۱. نظایر لفظی

۳-۲. اشتراک دو آیه در پنج لفظ «من» «دونه» «ولی» «ولا» «شفیع»

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و ۴ سوره السجده «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» در پنج لفظ «من» «دونه» «ولی» «ولا» «شفیع»، اشتراک لفظی دارند.

۳-۳. اشتراک در یک ماده مشترک «شفع»

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و ۴۴ سوره «الزمر» «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» در ماده «شفع» اشتراک لفظی دارند.

۳-۴. اشتراک در یک ماده مشترک «دون»

آیه ۱۸ سوره «یونس» «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هُؤُلَاءِ شُفَاعَوْنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَبْتَغُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» و آیات ۵۱ الانعام «وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و ۴ سوره السجده «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ»، در ماده «دون» اشتراک لفظی دارند.

۴. نظایر معنوی

۴-۱. یکسان بودن مفهوم

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» و آیه ۴ سوره السجده «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي

ستَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلَىٰ وَلَىٰ شَفِيعٌ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ، نظیر معنوی از نوع یکسان بودن مفهوم می‌باشد، در هر دو آیه اشاره به این مطلب دارد که در آن روز جز خداوند بزرگ هیچ سرپرست و شفاعت کننده‌ای برای آنان وجود ندارد.

۳-۲. یکسان بودن مصدق

آیه ۵۱ سوره الانعام «وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحَشِّرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلَىٰ وَلَىٰ شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ و ۴۴ سوره «الزمر» «قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» هر دو آیه از نظر معنوی، در یکسان بودن مصدق نظیر یکدیگر هستند و امر به رسول الله است تا مشرکین را انذار کند.

۳-۳. آیاتی که شفاعت را مشروط به اذن خدا می‌داند

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقَيْوُمُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يُؤُدُّهُ حِظْهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الظَّيِّمُ» (البقره، ۲۵۵).

خداست که معبدی جز او نیست؛ زنده و بربادارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشار است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ.

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سَتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ» (یونس، ۳)

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید. سپس بر عرش استیلا یافت. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعتگری جز پس از اذن او نیست. این است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستید. آیا پند نمی‌گیرید؟

«يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيتِهِ مُشْفِقُونَ»
(الاتباء، ۲۸)

آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می داند، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند.

«وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهَدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (الزخرف، ۸۶)
و کسانی که به جای او می خوانند [و می پرستند] اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند.

«لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم، ۸۷)
[آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است.

«يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» (طه، ۱۱۰)
آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته اند می داند، و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند.

«وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنِ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ
قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (سیا، ۲۳)

و شفاعتگری در پیشگاه او سود نمی بخشد، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد.
تا چون هراس از دلهایشان برطرف شود، می گویند: «پروردگارتان چه فرمود؟» می گویند:
«حقیقت؛ و هموست بلند مرتبه و بزرگ.»

«وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذِنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَرْضِي» (النجم، ۲۶)

و بسا فرشتگانی که در آسمانها یند [و] شفاعت شان به کاری نیاید، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد.

شفاعت به اذن خدا انجام‌پذیر است

زمخسری در تفسیر الكشاف می گوید: آیاتی که شفاعت در قیامت را با اذن الهی اثبات

می‌نماید، شفاعت را به طور مشروط ثابت می‌کنند؛ نظیر آیه ۲۶ سوره النجم که می‌فرماید:

«وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَرْضَى...» شفاعتشان هیچ سود ندهد، مگر از آن پس که خدا برای هر که خواهد رخصت دهد و خشنود باشد.

وقتی این آیه را در کنار آیاتی که شفاعت در قیامت را با اذن الهی اثبات می‌نماید قرار دهیم، نتیجه آن چنین می‌شود که خدا پس از آن که اجازه شفاعت داد، آن را می‌بذرد. البته لازم نیست که خداوند برای هر کدام از پیامبران خود و به نام یکایک افرادی که شفاعت درباره آنان را می‌پسندید اجازه ویژه‌ای صادر کند، بلکه همین اندازه کافی است که پیامبر اکرم (ص) بداند که شفاعت جائز است و نه حرام. البته، در صورتی که شفاعت شونده از اهل کفر و الحاد به خدا نباشد و نه از برافروزنده‌گان آتش جنگ‌ها و از کسانی که خون‌های بی‌گناهان را می‌ریزند و نه از آنان که به بندگان خدا ستم می‌کنند و شروت و روزی آنها را به یغما می‌برند، بلکه شفاعت تنها در مورد کسانی صادق است که گناهان عادی و متداول را مرتکب می‌شوند؛ به بیانی دیگر مقصود از این که خدا اجازه شفاعت داده، آن است که به پیامبریش وحی کند من به تو اجازه دادم که می‌توانی برای هر کدام از افراد امت خودت که بخواهی و او نوع خاصی از گناهان را مرتکب شده باشد، شفاعت کنی. در این صورت، کار این گروه در دست پیامبر اکرم (ص) است، و این کمترین چیزی است که در فردای قیامت خداوند به حضرت محمد (ص) عطا می‌کند و او هم به نوبه خود برای هر کس که شایستگی شفاعت را داشته باشد شفیع خواهد شد. (زمخشري، ۹۶/۵).

لذا با توجه به این سه دسته از آیات که بررسی شد می‌توان این گونه نتیجه گرفت که شفاعت در حشر از ضابطه و قانون کلی برخوردار است. به این معنا که در آن‌جا شفاعت استقلالی نبوده، بلکه به اذن و اجازه خداوند متعال است؛ یعنی اصل در شفاعت این است که فقط از آن خداوند باشد، اما در مواردی لطف خداوند موجب می‌گردد تا دیگران، مانند پیامبران و اولیای الهی نیز با اذن خدا شفاعت نمایند. و این اسلوب کلام، به ما می‌فهماند که به جز

خدای تعالی، هیچ موجودی به طور مستقل مالک هیچ یک از کمالات نام برده نیست و اگر موجودی مالک کمالی باشد، خدا به او تملیک کرده است. بنابراین این آیات یا شفاعت را مختص به خدا می‌کند یا آن را عمومیت می‌دهد و برای غیر خدا نیز اثبات می‌کند، اما با این شرط که خدا به او اذن داده باشد و به شفاعتش راضی باشد. (طباطبائی، ۲۳۸/۱)

بررسی نظایر آیات در موضوع شفاعت از تفسیر المیزان

نظایر لفظی	اشتراك در سه لفظ «الشفاعه» و «الا» و «من»	۸۶ الزخرف	۷ مریم و ۳۳ سبا
نظایر لفظی	اشتراك در دو لفظ «الا» و «اذنه»	۲۵۵ البقره	۳ یونس
نظایر لفظی	اشتراك در يك لفظ، «الا»	۲۵۵ البقره	۳ یونس و ۲۶ التجم
نظایر لفظی	اشتراك در دو ماده مشترک «شفع» و «اذن»	۲۵۵ البقره	۳ یونس و ۲۶ التجم و ۲۳ سبا
نظایر لفظی	اشتراك در ماده «رضي»	۲۸ الانبياء	۲۶ التجم
نظایر لفظی	اشتراك در يك عبارت يك «عَلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ»	۱۱۰ طه	۲۸ الانبياء و ۲۵۵ البقره
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	۲۸ الانبياء	۲۶ التجم
نظایر معنوی	يکسان بودن مفهوم	۱۱۰ و ۱۰۹ طه	۲۸ الانبياء و ۲۵۵ البقره

۱-۵. نظایر لفظی

۲-۵-۳. اشتراك در سه لفظ «الشفاعه» و «الا» و «من»

آیات ۸۶ سوره «الزخرف» و «لَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهَدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» و ۸۷ سوره «مریم» «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» و ۳۳ «سبا» «وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْهُ إِلَّا لِمَنْ أَذْنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُرِغَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» در سه لفظ «الشفاعه» و «الا» و «من»، مشترک لفظی هستند.

۳-۵-۳. اشتراک در دو لفظ «الا» و «اذنه»

آیه ۲۵۵ سوره «البقره» «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» و ۳ سوره «يونس» «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»، در لفظ «الا» و «اذنه» اشتراک لفظی دارند.

۳-۵-۴. اشتراک در یک لفظ، «الا»

آیات ۲۵۵ سوره «البقره» «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» و ۳ «يونس» «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» و ۲۶ سوره «النجم» «وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذِنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضِي»، هر سه در لفظ «الا» اشتراک لفظی دارند.

۳-۵-۵. اشتراک در ماده «رضی»

آیه ۲۸ سوره «الانبیاء» «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيتِهِ مُشْفِقُونَ» و ۲۶ سوره «النجم» «وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذِنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضِي»، در ماده «رضی» اشتراک لفظی دارند.

۳-۶-۱. نظایر معنوی

۳-۶-۱-۱. یکسان بودن مصداق و مفهوم

آیه ۲۸ سوره «الانبیاء» «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُمْ

مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» و ۲۶ سوره «النجم» «وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ
شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى»، نظری معنوی یکدیگر، از نوع یکسان بودن
مفهوم می‌باشد. هر دو آیه اشاره به شفاعت ملائکه دارد، بنابراین در مصدق، نظری معنوی
یکدیگرند. نکته دیگر این که در هر دو آیه اشاره به این مطلب شده است که شفاعت
ملائکه مشروط به اذن و رضایت پروردگار است.

۳-۶. یکسان بودن مفهوم

آیات ۱۰۹ و ۱۱۰ سوره «طه» «يَوْمَئِذٍ لَا تَفْعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ
قَوْلًا» «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» با آیه سوره ۲۸ «الأنبياء» «يَعْلَمُ
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» و آیه ۲۵۵
سوره «البقره» «اللَّهُ لَإِلَهٌ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نُومٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسَعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْعَظِيمُ» هر سه آیه نظری معنایی یکدیگر و از نوع یکسان بودن مفهوم هستند. و هر سه آیه
اشاره دارد به این مطلب که سلطنت مطلقه از آن خداست و همه اسباب و عوامل و
تاشرگذاری آن‌ها، فقط به دست توانای اوست.

۴- نظرات بعضی از علمای اسلامی

متکلمان و مفسران اسلامی، اصل شفاعت را یکی از اصول اعتقادی مسلم دینی
شمرده‌اند که مورد پذیرش همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی است. آنچه مورد اختلاف بین
مذاهب اسلامی است، کیفیت شفاعت و مسائلی مانند این که آیا شفاعت برای رفع عقاب
است یا ترفیع درجه یا هر دو؟ یا این که کسی که مرتكب گناه کبیره می‌شود آیا مشمول
شفاعت می‌شود یا نه؟ این‌که شفاعت کنندگان چه کسانی هستند و سُوالاتی از این قبیل.
(همانگی شفاعت با توحید در مقارنه دیدگاه علامه طباطبائی و رسیدرضا، ۱۵۰)

علّامه طباطبائی آیات مربوط به شفاعت را مصداق شیوه بیانی دیگری از قرآن معرفی کرده است. ایشان درباره این شیوه بیانی می‌فرماید: «این شیوه‌ای رایج در قرآن است که در آیاتی یک کمال را از غیر خداوند نفی می‌کند و در آیاتی دیگر آن کمال را برای خداوند اثبات می‌نماید و در آیه یا آیات سومی، کمال مورد نظر را به اذن الهی برای دیگران نیز اثبات می‌کند. در واقع خداوند با این شیوه بر این نکته تأکید می‌کند که هر چه انسان دارد از آن خدا و به مشیت اوست، و هیچ انسانی هیچ کمالی را مستقل از خداوند و بدون اعطای او مالک نمی‌باشد.» وی در ادامه می‌افزاید: در آیات شفاعت نیز این اسلوب به کار رفته است. در آیاتی شفاعت به صورت مطلق از دیگران نفی شده، در آیاتی شفاعت مختص خداوند شمرده شده و در برخی دیگر، شفاعت غیر خدا به اذن الهی، ثابت گشته تا مشخص گردد که شفیع در عرض خداوند نیست و شفاعت مقامی است که خداوند به او اعطا کرده و هیچ‌گاه مستقل از خدا نخواهد بود. (طباطبائی، ۱۵۷/۱)

ایشان ذیل آیه ۴۸ سوره مبارکة بقره با آوردن آیات نافی شفاعت و آیاتی که شفاعت را اثبات می‌کنند، این گونه نتیجه می‌گیرد: گرچه بعضی از آیات، نافی شفاعت‌اند، اما با توجه به آیات اثبات کننده شفاعت، باید این مسئله را پذیریم که آیات قرآن اصل موضوع شفاعت را بدون اشکال اثبات می‌کنند؛ منتها بعضی آیات، شفاعت را به عنوان اصالت مخصوص خداوند معرفی می‌کند و در مورد غیر خدا، با اجازه و رضایت خداوند اثبات نموده است. (همانجا، ۱۵۷-۱۵۵)

فخر رازی در خصوص مسئله شفاعت معتقد است که حقیقت بر اساس شفاعت جزء مسائل مسلم، قطعی و انکارناپذیر در بین مسلمین است و می‌گوید «اتفاقاً الامه على اثبات هذه الشفاعة» فخر رازی ذیل آیه ۴۸ سوره بقره شفاعت را امر مسلم و متفق عليه مسلمانان دانسته است. البته اختلاف معترله با دیگران را در تفسیر شفاعت بیان نموده است. (فخر رازی، ۵۹-۵۵/۳) او ضمن اثبات شفاعت، دیدگاه معترله را در این زمینه نمی‌پذیرد و به دلایل آنان که شفاعت را به معنای ترفیع درجه می‌دانند پاسخ می‌دهد و معتقد است شفاعت پیامبر شامل صاحبان کبار نیز می‌گردد و برای اثبات ادعای خود دلایل

متعددی از آیات و روایات ارائه می‌کند. فخر رازی در مورد شفاعت امامان معصوم سکوت اختیار کرده است و در کتاب هایش تا آنجایی که ما بررسی کرد ه ایم سخنی از شفاعت امامان معصوم به میان نیاورده است. (محمدی، نقل از پایان نامه «بررسی مسئله شفاعت از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی»). مرحوم طبرسی هم در ذیل آیه ۴۸ بقره می‌فرماید: همه مسلمانان پذیرفتند که شفاعت پیامبر در قیامت قبول می‌شود، گرچه در کیفیت آن میان معتزله و دیگران اختلاف است که آنها معتقدند شفاعت فقط درباره افراد مطیع است و ما (شیعه) معتقدیم که هدف شفاعت، نجات گهکاران از عذاب است. سپس می‌گوید: نه تنها شفاعت پیامبر بلکه شفاعت یاران برگزیده و امامان معصوم و افراد با ایمان و صالح نیز قبول می‌گردد. (طبرسی ۲۲۳/۱). ابوالفتوح رازی در ذیل آیه ۴۸ سوره بقره می‌فرماید: این آیه مربوط به کافران و جهودان است. مسلمانان به جز معتزله، شفاعت را قبول دارند. بعد آیاتی که دلالت بر شفاعت در قیامت دارند مذکور شده است. (ابوفتوح رازی، ۱۶۴/۱-۱۷۵). شیخ طوسی نیز، در ذیل آیه مذکور می‌گوید: این آیه مربوط به کافران است، زیرا پیامبر در حق مؤمنان شفاعت می‌کند که نتیجه شفاعت آن حضرت، نجات گهکاران از عذاب است. (شیخ طوسی ۲۱۳/۱)

همچنین مفسران قرآن کریم، ذیل آیه «عسی ان یبعشک ربک مقاماً محموداً»، اتفاق نظر دارند که «مقام محمود» همان مقام شفاعت است. (ابن عطیه، ۹۴؛ طوسی، ۵۱۲/۶؛ طبرسی، ۶۷۱/۶؛ ابن کثیر، ۹۴/۵). فتاوی نیشابوری نیز، مقام محمود را به شفاعت پیامبر، تفسیر نموده است و روایتی از رسول اکرم نیز نقل می‌کند که فرمود: «المقام الذى أشفع فيه لأمتى» (نیشابوری، ۵۴۹).

بنابراین آیاتی که نافی شفاعت اند، ناظر به شفاعتی هستند که بدون اذن الهی باشد. لذا شفاعت اصل مسلمی است که شک و تردید در آن، شک در مسائل اسلامی است. حتی وهابی‌ها که بسیاری از علماء، آنان را منکر شفاعت می‌دانند، شفاعت را به صورت کلّی نفی نمی‌کنند، بلکه شفاعت پیامبر در قیامت، به اذن خداوند را قبول دارند. (عاملی، ۱۹۲).

در میان مسلمانان فقط گروه معتزله و خوارج، در عین پذیرش اصل آن، در تفسیر شفاعت

با دیگران مخالفند؛ آنها نپنداشته‌اند که شفاعت شامل افراد مطیع و نیکوکار است، نه گناهکاران؛ یعنی نتیجه شفاعت پیامبر، افزایش درجه و پاداش نیکوکار است، نه نجات گناهکار. (قاضی، ۴۶۳-۴۶۵).

نتایج مقاله

- ۱- تفسیر المیزان توانسته است با روش تفسیر قرآن به قرآن و نظیر قرار دادن آیات برای یکدیگر، تا حدود زیادی مبهمات برخی از آیات را تبیین نماید. همچنین ملاک و معیار یافتن آیات نظیر در تفسیر المیزان در وهله اول توجه و استناد به آیات همگونی است که الفاظ مشترکی دارند که شامل انواع مختلفی می‌باشند که این اشتراک گاهی در یک لفظ، گاهی دو و یا سه لفظ مشترک در دو آیه وجود دارد.
- ۲- بررسی انواع نظایر لفظی و معنوی آیات مربوط به شفاعت، به شناخت مصاديق و مفاهیم شفاعت کمک نموده و حقیقت شفاعت و چگونگی انجام گرفتن آن را روشن می‌سازد.
- ۳- با جستجو و یافتن آیات نظیر در موضوع شفاعت می‌توان به این نتیجه رسید که تنها با دیدن برخی از آیات مربوطه همانند آیه ۴۸ سوره البقره و بدون در نظر گرفتن آیاتی که با همان موضوع به روشنگری این آیه می‌پردازنند، نمی‌توان به مفهوم شفاعت بی‌برد و مصاديق آن را شناخت.
- ۴- با بررسی آیات مربوط به شفاعت و شناخت گونه‌های لفظی و معنوی آن در می‌یابیم که چگونه آیات نظیر در موضوع شفاعت یکدیگر را تبیین نموده و به روشنگری شباهات در موضوع شفاعت پرداخته و از این طریق به افرادی که منکر شفاعت هستند و یا شفاعت را فقط مختص به خداوند دانسته‌اند، پاسخ می‌دهند.
- ۵- با بررسی نظرات دانشمندان و مفسران اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که همگی مسئله جواز شفاعت در قیامت را به صورت اصلی مسلم و پذیرفته شده می‌دانند و به این موضوع اذعان نموده‌اند و اگر اختلافی وجود دارد در مفاد و معنا و تفسیر شفاعت است نه در اصل وجود داشتن آن.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند
۲. آلوسی بغدادی، محمودین عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، آستان قدس، ۱۴۰۸ق.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایہ فی غریب الحديث و الأئم، محقق: محمود محمد طاحی، طاهر احمد زاوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
۵. ابن بابویه قمی، محمدبن علی، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۶. ابن عاشورا، محمدبن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۷. ابن عطیه، عبدالحق، المحررالوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دارصار، ۱۳۸۵ق.
۸. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ایزدی مبارکه، مهدی، گفتارهایی در باب قرآن فقه فلسفه، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹.
۱۱. همو، «تأملاتی در میزان کارایی روش تفسیر قرآن به قرآن، مجله مقالات و بررسی‌ها»، دفتر ۸۴، ۱۲-۳۱، تابستان ۱۳۸۶ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسمیم، به کوشش علی اسلامی، قم، اسراء، ۱۳۷۹ش.
۱۳. همو، جامعه در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۹۰ش.
۱۴. همو، شمس الوحی تبریزی، قم، اسوه، ۱۳۸۸ش.
۱۵. حسینی طهرانی، محمدحسین، مهرتابان، مشهد، انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۲۶ق.
۱۶. ذهی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، بی‌جا، دارالكتب الحدیثه، ۱۳۹۶ق.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت، انتشارات دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۸. رضائی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، اسوه، بی‌تا.
۱۹. همو، «تفسیر روشنمند وحی با وحی»، مجله معرفت، سال یازدهم، شماره ۹ (پیاپی ۶۰)، ۱۳۸۰ش.
۲۰. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن العظیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، انتشارات دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۲۱. زمخشri، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاویل فی وجوه التاویل، بیروت، دارالكتب العربي، ۱۴۰۷ق.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الدرالمنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۳. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۴. همو، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۲۵. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تصحیح محمدباقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۷. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارإحياء التراث العربي، بیتا.
۳۰. عاملی، سید محسن امین، کشف الإرتیاب فی اتباع محمدبن عبدالوهاب، ترجمه: علی اکبر تهرانی، تهران، دارالکتب الإسلامية، بیتا.
۳۱. عبدہ، محمد، نهج البلاغه، قاهره، مطبع الاستقامه، بیتا.
۳۲. علم الهدی، محمدباقر، شفاعت، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی منیر، ۱۳۸۶ش.
۳۳. عیید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۹ش.
۳۴. فخرالدین رازی، الأربعین فی اصول الدين، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق.
۳۵. فخررازی، محمد بن عمر، التفسیر الكبير (مفاید الغیب)، بیروت، دارإحياء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرایی، قم، هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۷. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۳۸. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن، شرح الاصول الخمسه، قاهره، مکتبه وهبی، بیتا.
۳۹. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۴۰. محمدی، علی اکبر، پایان نامه «بررسی مسئله شفاعت از دیدگاه علامه طباطبائی و فخررازی»، دانشکده علوم انسانی، قم، ۱۳۹۷.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، انتشارات مؤسسه وفا، ۱۴۰۴ق.
۴۲. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، قم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۷۷ش.
۴۳. مسعودزاده، محمدرضا و نوروزی، حسنعلی، «همانگی شفاعت با توحید در مقارنه دیدگاه علامه طباطبائی و رشیدرضا»، پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، شماره ۸، ۱۴۰۹-۱۳۹۱.
۴۴. مصلایی یور یزدی، عباس، «چگونگی بازن تأثیر آیات در روش تفسیر قرآن به قرآن، برگرفته از گفتارهایی در باب قرآن، فقه و فلسفه»، دکتر کامران ایزدی مبارکه.
۴۵. همو و دیمه کار، محسن، «تنوع و نوآوری در بیان داستان مجاهه حضرت ابراهیم (ع) با آذر و قومش در قرآن کریم»، صحیفه مبین، شماره ۴۴-۴۵، ۶، زمستان و بهار ۱۳۸۸-۸۷.
۴۶. موسوی، رضا، «روش‌های نقد آراء دیگر مفسران در تفسیر المیزان»، مجله پژوهش سال سوم، شماره ۲، ۱۳۹۰ش.
۴۷. نیشابوری، محمد بن حسن فتّال، مهدوی دامغانی، محمود (متترجم)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶ش.

